

## دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا جلسه ۱۳، روح القدس، بخش ۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون و تدریس او در مورد الهیات یوحنا هستم. این جلسه ۱۳، روح القدس، بخش ۱ است.

به الهیات یوحنا خوش آمدید.

همچنان که به موضوع روح القدس می‌پردازیم، بیایید از او یاری بجوییم. ای پدر مهربان، ای پسر و ای روح القدس، در برابر تو سر تعظیم فرود می‌آوریم. از تو به خاطر کلامت سپاسگزاریم. از تو به خاطر فیض و نجات تنها در مسیح سپاسگزاریم. در حین مطالعه، ما را برکت ده. از طریق عیسی مسیح، یک واسطه، دعا می‌کنیم که دل‌های ما را تشویق کنی. آمین.

آندریاس کوستنبرگر کتابی بسیار مفید از مجموعه زوندروان، الهیات کتاب مقدس عهد جدید، نوشته است. کتاب او الهیات انجیل و نامه‌های یوحنا است.

این خلاصه‌ای از تصویر کلی او از روح القدس در انجیل چهارم است. او قطعاً آن را به نیمه اول و دوم تقسیم می‌کند، مطابق با اصطلاحات سنتی. کتاب نشانه‌ها، کتاب جلال، اصطلاح مورد علاقه خودش کتاب نشانه‌ها، کتاب تعالی است.

کاستنبرگر نوشت که در نیمه اول انجیل، نحوه برخورد انجیل‌نویس چهارم با روح القدس تا حد زیادی شبیه است. او نیز مانند آنها، اشاره یحیی تعمیددهنده به عیسی به عنوان (Synoptics) به انجیل‌های هم‌نوا کسی که با روح القدس تعمید خواهد داد را برجسته کرد. یوحنا ۱:۳۲، ۳۳، متی ۳، ۱۱ و موارد مشابه را مقایسه کنید.

این موضوع در هر چهار انجیل ثبت شده است که امری غیرمعمول است. یوحنا رسول تأکید کرد که روح القدس، در تمام کمال خود، در طول خدمت زمینی عیسی بر او قرار داشت (یوحنا ۱:۳۲، ۳:۳۴؛ با لوقا ۴:۱۸). (مقایسه کنید ۴:۱۸).

یوحنا همچنین به نقش روح القدس در حیات بخشیدن اشاره کرد، یوحنا ۶:۶۳. اما در مورد تصویر او از پیروان عیسی، اتخاذ یک دیدگاه پس از تعالی منجر به تصویری بسیار بهبود یافته از روح القدس در گفتمان‌های وداع می‌شود، جایی که روح القدس در درجه اول به عنوان پاراکلتوس و روح حقیقت، دو اصطلاح نزدیک به هم، به تصویر کشیده می‌شود. من چهار دسته دارم.

روح القدس به عیسی داده شد. روح القدس به عنوان منبع حیات. عیسی کلیسا را با روح القدس تعمید خواهد داد.

روح القدس توسط پدر و پسر فرستاده خواهد شد. این در آیات ۱۴:۱۵ و ۱۶ در سخنرانی خداحافظی عیسی آمده است. اول از همه، روح القدس به عیسی داده می‌شود، یوحنا ۱. اینکه چیزی در هر چهار انجیل گنجانده شود، به عبارت دیگر، اینکه یوحنا آن را در انجیل خود بگنجانند، اهمیت آن را برجسته می‌کند.

بنابراین، مطمئناً، مرگ و رستاخیز عیسی، غذا دادن به ۵۰۰۰ نفر و این تصور که عیسی کلیسا را با روح القدس تعمید خواهد داد، مطرح بود. اما اول، ما با این واقعیت سر و کار داریم که خدای پدر روح را به پسر عطا کرد. یوحنا ۱:۲۹ روز بعد، یحیی تعمید دهنده عیسی را دید که به سمت او می‌آید و گفت: «این است.» بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد

این همان کسی است که درباره‌اش گفتم، پس از من مردی می‌آید که از من برتر است زیرا پیش از من بوده است. به معنای واقعی کلمه، کسی که پس از من آمده، پیش از من بوده است زیرا پیش از من بوده است. و به درستی کاربرد دوم این عبارت قبل و بعد را اینگونه ترجمه می‌کند: کسی که پس از من می‌آید ESV نسخه، پیش از من است.

او از نظر اعتبار، رتبه و افتخار از من جلوتر است. زیرا او از نظر زمانی بر من مقدم بوده است. یوحنا در اینجا به وجود پیشینی پسر شهادت می‌دهد.

پسر ابدی پیش از آنکه انسان شود، در عیسی ناصری وجود داشت. پس از من انسانی می‌آید. شش ماه پس از تولد یحیی، عیسی به دنیا آمد.

یحیی پیشرو است. او رسالت خود را قبل از عیسی که رسالت عمومی خود را آغاز کند، آغاز می‌کند. بعد از من مردی می‌آید که از من پیشی می‌گیرد.

یوحنا در انجیل چهارم - و سایر انجیل‌ها - کاملاً ثابت و بی‌نقص است، اما در اینجا با گفتن اینکه عیسی باید افزایش یابد، مسیح باید افزایش یابد و من باید کاهش یابم، برجسته‌تر است. رسول می‌گوید که یحیی تعمید دهنده نور نبود، بلکه او آمد تا در مقدمه بر نور شهادت دهد، تا همه از طریق یحیی، که در عیسی به طور ضمنی آمده است، ایمان بیاورند.

بارها و بارها. یوحنا لاویان و کاهنان را از اورشلیم فرستاده است. لاویان متخصصان آیین تطهیر بودند.

و بنابراین، آنها شنیدند که یحیی تعمید می‌دهد. تو کیستی؟ من مسیح نیستم. من الیاس نیستم.

من پیامبر نیستم. او بارها و بارها این را انکار می‌کند. بنابراین، همانطور که قبلاً گفتم، تقصیر یحیی تعمید دهنده نیست که در تاریخ اولیه کلیسا، فرقه یا فرقه یحیی تعمید دهنده وجود داشته است.

من او را نمی‌شناختم، اما برای این منظور، با آب تعمید گرفتم تا او به اسرائیل آشکار شود. در ارائه نتایج غسل تعمید عیسی، یوحنا از نظر فنی عمل را نشان نمی‌دهد، اما اینجا با سایر انجیل‌ها متفاوت است. مانند انجیل متی نیست.

بنابراین، عیسی گفت: «ما باید تمام عدالت را به کمال برسانیم.» نه، بلکه این برای وحی است، برای اینکه «عیسی خود را به اسرائیل آشکار کند. یحیی می‌گوید: «من با آب تعمید می‌دادم تا او به اسرائیل آشکار شود».

البته، یحیی با آب تعمید می‌داد، به عنوان تعمید توبه برای بخشش گناهان و برای آمادگی برای مسیح. اما دلیل بزرگتر و مهمتر، آشکار کردن پسر خداست. و یحیی شهادت داد.

این موضوع شاهد است که بخشی از چیزی است که کازیمیر آن را محاکمه کیهانی عیسی می‌نامد. بله، یوحنا کمی از محاکمه عیسی را در آخرین هفته زندگی او گنجانده است. او واقعاً کارهای خنده‌داری در آنجا انجام می‌دهد.

او تقریباً صدای قیافا را قطع می‌کند و فقط می‌گوید، قیافا قبلاً صحبت کرده بود، بله، او قبلاً صحبت کرده بود، او به واسطه روح القدس پیشگویی از کفاره نیابتی عیسی را بیان کرد. بنابراین، در بخش محاکمه محاکمه واقعی، صدای قیافا قطع می‌شود و خواننده به پیش‌بینی او به عنوان کاهن اعظم در آن سال در فصل ۱۱ کفاره نیابتی عیسی پی می‌برد. این یک طعنه یوحناپی با حروف بزرگ و پررنگ است.

اما وجود دارد، محاکمات ثبت شده‌اند، کاملاً مختصر، مثلاً کوتاه‌تر از متی. اما یوحنا نشان می‌دهد، همانطور که کازیمیر می‌گوید، محاکمه کیهانی عیسی در کل کتاب حاکم است. بنابراین بلافاصله در فصل اول انواع شاهدان را دارید.

یحیی تعمید دهنده، بارها و بارها. اندریاس به پطرس در مورد شاگردان، شاگردان شدن شهادت می‌دهد. فیلیپ، فیلیپ، شاهدان او برای نثنائیل.

این داستان همینطور ادامه دارد. من او را نمی‌شناختم، اما برای این منظور، با آب تعمید گرفتم تا او به اسرائیل آشکار شود. من او را نمی‌شناختم؛ در واقع این یک مشکل است؛ شاید من از ظرفیت رسمی او برای خدمت به عنوان مسیح، برای ایفای آن نقش مطمئن نبودم، تا اینکه خدا آن نقش، مقام مسیحایی او را در غسل تعمیدش برای من تأیید کرد.

شاید چیزی شبیه به این. یوحنا شهادت داد. من روح القدس را دیدم که مانند کبوتری از آسمان نازل شد.

و بر او ماند. من خود او را نمی‌شناختم، اما آن که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم، یعنی خدا، به من گفت هر که را ببینی که روح بر او نازل می‌شود و قرار می‌گیرد، همان است که با روح القدس تعمید می‌دهد. «و» من دیده‌ام و شهادت می‌دهم که این پسر خداست.

موضوع شهادت در فصل اول انجیل یوحنا بسیار برجسته است، و همانطور که قبلاً گفتیم، متن کلاسیک در فصل پنجم است، و سپس در جاهای مختلف، اما همچنین در فصل هشتم، جایی که عیسی ادعا می‌کند حتی اگر من از خودم شهادت بدهم، شهادت من صادق است، و او به اصل قانونی دو شاهد متوسل می‌شود، پدر و من شهادت می‌دهیم. در پایان فصل پانزدهم، به ما گفته شده است که روح القدس در مورد عیسی شهادت خواهد داد، و شاگردان نیز وارد صفوف شاهدان عیسی می‌شوند. خدا به عیسی روح می‌دهد.

تأکید در اینجا بر یک عمل وحیانی از جانب خداست. آشکار کردن نقش مسیحایی عیسی به یحیی تعمید دهنده و از این طریق به اسرائیل. عیسی مسیح، مسح شده است.

او روح را به صورت عمومی در یک تئوفانی، ظهور قابل مشاهده خدا، دریافت می‌کند. شاید حتی گسترده‌تر تئوفانی، ظهور خدا بر حواس انسان است، معمولاً بینایی، اما چرا گاهی اوقات شنوایی هم نباشد؟ آیا خدا و اسم‌هایی که از theos و phanerao گاهی اوقات به شکلی که به خود می‌گیرد لمس می‌شود؟ تئوفانی، از آن مشتق می‌شوند تا ظاهر شوند، ظهور خدا. کریستوفانی، ظهور پیش از تجسم مسیح یا ظهور پس از رستاخیز، من در ادبیات خواننده‌ام که پولس در جاده دمشق کریستوفانی را دیده است.

تئوفانی، کریستوفانی، ظهور خدا، ظهور مسیح. در مورد پنوماتوفانی، ظهور روح چگونه؟ خدا روح را به پسرش داد. از یک دیدگاه الهیاتی بزرگتر، او که همیشه به عنوان خدای پسر، همراه با پدر و روح القدس در بهشت، جایی که خدا ساکن است، وجود داشته است، به یک انسان تبدیل شد و به این ترتیب، او یک شخص با دو طبیعت است، یکی الهی و دیگری انسانی.

تداوم شخصیت به انسانیت او تعلق ندارد زیرا آغازی داشته است. تداوم شخصیت در پسر الهی وجود دارد. بنابراین، او از ازل پسر پیش از تجسم بود.

یوحنا ۱۷ به این موضوع اشاره می‌کند، آیه ۲۴. پدر، تو پیش از آفرینش جهان مرا دوست داشتی. مفهوم مسیحی خدا به عنوان کثرت در وحدت، یا به تعبیر ترتولیان، تثلیث، به این معنی است که خدای حقیقی و زنده هرگز تنها نبوده است.

او از روی حس تنهایی خلق نکرد. با توجه به سنت‌های مذهبی مختلف، خدای اسلام و حتی یهودیت، در رد مسیحیت، خدایی را به تصویر می‌کشند که تنهاست. اما خدا در تجسم و سپس در پنطیکاست به طور کامل آشکار شد و اینگونه است که ما از تثلیث یاد می‌گیریم، نه از روی گمانه‌زنی، بلکه از یک تاریخ رستگاری.

خدای پسر به انسان تبدیل شد و بدین ترتیب، همانطور که در همان دو آیه از انجیل یوحنا دیدیم، به ما آشکار کرد که در الوهیت دو شخص وجود دارد. او یک... توحیدگرایی اشتباه است. انکار بیش از یک شخص در الوهیت، تأیید خدا تنها یک شخص است، به ویژه انکار الوهیت مسیح.

و البته، حتی در مورد شخصیت روح، که به عنوان قدرت خدا در نظر گرفته می‌شود. یوحنا، در فصل ۱ همان دو آیه اول، تعلیم می‌دهد... نه توحیدگرایی، نه تثلیث‌گرایی کامل، بلکه... توسط توحیدگرایی، زیرا کلمه با خدا بود و کلمه خدا بود. و البته، پس از اینکه به سخنرانی‌های وداع رسیدیم، به سمت مفهوم تثلیث‌گرایی از خدا، یک خدای ابدی که از ازل در یک جوهر، ذات یا وجود وجود داشته است، حرکت می‌کنیم.

... اما اکنون می‌آموزیم که او همیشه چگونه بوده است. او از ازل در سه حالت وجودی، سه شخص، سه راه به عنوان پدر، پسر و روح وجود داشته است. از این رو، به عنوان خدا-انسان، تداوم شخصیت توسط پسر ابدی برقرار می‌شود و پسر پیش از تجسم، پسر تجسم یافته می‌شود.

او هنوز پسر است. او، چیز جدیدی وجود دارد، و او هرگز مثل قبل نخواهد بود. او اکنون خدا-انسان است و این تجسم دائمی است.

او دو مرحله را طی می‌کند، مرحله‌ی تحقیر بر روی زمین، مرحله‌ی تعالی پس از رستاخیز و عروجش به سوی پدر، اما او همان پسر است، اگرچه اکنون خدا-انسان است. اناجیل هم‌نوا به ویژه معجزات عیسی، بسیاری از آنها را، به کار روح در او نسبت می‌دهند. او روح را دریافت می‌کند تا مقام مسیحایی خود را به عنوان مسح‌شده‌ی خدا نشان دهد و او توسط روح معجزه می‌کند.

فریسیان او را متهم می‌کنند که معجزات را توسط شیطان انجام می‌دهد. عیسی به آنها اجازه می‌دهد که این کار را انجام دهند، این کار را کفر علیه روح القدس می‌نامد، و عمداً از کار آگاه است... عیسی کارهای خدا را توسط خدا، توسط روح انجام می‌داد و آن کار الهی را به شیطان نسبت می‌داد، که از عیسی این ادعا را به همراه دارد که گناه بخشیده نخواهد شد. به نظر می‌رسد که این در کتاب مقدس تکرار نشدنی است و هیچ کس جز خود خدا نمی‌تواند چنین چیزی بگوید.

افرادی که بدون مسیح می‌میرند، گناه نابخشوده دارند، اما این متفاوت است. به همین دلیل است که آنها زنده هستند. عیسی گفت که این بخشیده نخواهد شد.

او در متی ۱۲:۲۸ می‌گوید، اگر من به واسطه روح خدا دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر شما آمده است. اما تأکید یوحنا این نیست. او در اینجا از توانمندسازی عیسی توسط روح القدس صحبت نمی‌کند، که درست است.

خدا-انسان در وجود خود معجزات انجام می‌دهد. وجود او متحد است. پس نگذارید ما حرکتی نسطوری انجام دهیم و ذات‌ها را از هم جدا کنیم.

این اشتباه است. اما گاهی اوقات، وقتی او معجزه می‌کند، بر ذات الهی او تأکید می‌شود. بسیاری از اوقات، بر ذات انسانی او تأکید می‌شود، و همانطور که گفتیم، هم‌نواها آن معجزات را به او نسبت می‌دهند، زیرا در این موارد، خدا-انسان با روح القدس در او و از طریق او عمل می‌کند.

اینجا اینطور نیست. این چیزی است که یوحنا می‌گوید. یوحنا بیشتر بر این مضمون وحی یا شهادت تأکید می‌کند.

اینگونه بود که یحیی می‌دانست او کیست، و اینگونه بود که عیسی به قوم خدا معرفی شد. کسی را که می‌بینید روح بر او نازل شده و قرار گرفته است، عیسی روح را حفظ می‌کند. اوست که با روح القدس تعمید می‌دهد.

فکر می‌کنم سنت عهدگرایی من، به درستی کل کتاب مقدس را به عنوان یک کتاب واحد درک کرده است. من از دیدن دوستانم در مدرسه علمیه دالاس و دیگر تقدیرگرایان مترقی که در تأکید بر وحدت کتاب مقدس و یک طرح جامع رستگاری یا عهد فیض، کار بهتری نسبت به تقدیرگرایان سنتی انجام می‌دهند، خوشحال شده‌ام. این یک جنبش سودمند است.

نتیجه. با این حال، در پنطیکاست نکته‌ی جدیدی وجود دارد که سنت اصلاح‌شده یا عهدی من باید آن را به رسمیت بشناسد. این یک رویداد بزرگ است که توسط یوئیل در فصل ۲ و حزقیال در فصل ۳۶ پیش‌بینی شده است.

این یک رویداد بزرگ است و در هر چهار انجیل آمده است. یحیی تعمید دهنده می‌گوید من با آب تعمید می‌دهم. کسی می‌آید که با روح القدس تعمید خواهد داد.

در اعمال رسولان ۱، عیسی پیشگویی یحیی را بازگو می‌کند و سپس می‌گوید، و واقعاً هم آن را به انجام می‌رساند. او پیشگویی یحیی را بازگو می‌کند. بطرس در اعمال رسولان ۲ به پیشگویی یوئیل اشاره می‌کند و عیسی این پیشگویی، یعنی پیشگویی حزقیال، یوئیل، یحییای تعمیددهنده و خود عیسی را به انجام می‌رساند.

و او روح را بر کلیسا می‌ریزد. بنابراین، روح به عیسی به عنوان مسیح داده شد تا او نیز به نوبه خود، روح را به قوم خدا عطا کند. روح القدس به عیسی داده شده است، ۱:۳۲-۳۴. ۳:۳۴ نیز به همین ترتیب، از همین موضوع سخن می‌گوید.

پس از این، عیسی و شاگردانش به حومه یهودیه. ESV یحیی تعمید دهنده، عیسی را ستایش می‌کند، عنوان رفتند و او در آنجا با آنها ماند و تعمید می‌داد. یحیی نیز در همان نزدیکی، در نزدیکی سالیم، تعمید گرفت. زیرا آب فراوان بود و مردم می‌آمدند و تعمید می‌گرفتند، زیرا یحیی هنوز در زندان نبود.

به یاد داشته باشید، در آیه ۴:۲ دیدیم که خود عیسی تعمید نمی‌داد، بلکه فقط شاگردانش را تعمید می‌داد. بنابراین، به نظر ما، او در واقع این مراسم را انجام نداد، خیلی عاقلانه، مبدا مردم ادعا کنند که چون عیسی

آنها را از نظر فیزیکی تعمید می‌داد، تدهین خاصی داشتند. این دستان او بودند که این مراسم را انجام می‌دادند.

نه، او کسی را به آن روش غسل تعمید نداد. اما او غسل تعمید را مجاز دانست. حال، بحثی بین برخی از شاگردان یحیی و یک یهودی بر سر تطهیر درگرفت.

و آنها نزد یحیی آمدند و به او گفتند: «ای استاد، آن کسی که با تو در آن سوی اردن بود و تو برای او شهادت دادی، بنگر، او تعمید می‌دهد و همه نزد او می‌روند.» یحیی پاسخ داد که هیچ کس نمی‌تواند حتی یک چیز را دریافت کند، مگر اینکه از آسمان به او داده شود. او دوباره تسلیم شد.

او در مقایسه با عیسی جایگاه پایین‌تری دارد. شما خود شاهد هستید که من گفتم، من مسیح نیستم. بلکه پیشاپیش او فرستاده شده‌ام.

کسی که عروس را دارد، داماد است. این تصویر اولیه است. او، در عهد عتیق، اسرائیل همسر یهوه بود.

اما این تصویر اولیه است که بیشتر توسط پولس، از کلیسا، قوم خدا در عهد جدید، و کلیسا به عنوان عروس مسیح، بسط داده شده است. و البته، او داماد است. من مسیح نیستم.

من پیشاپیش او فرستاده شده‌ام، یوحنا ۱:۲۹. کسی که عروس را دارد، داماد است. دوست داماد، که نقش یوحنا را دارد، ایستاده و صدای او را می‌شنود و از صدای داماد بسیار شاد می‌شود.

یحیی تعمید دهنده داماد نیست. او دوست داماد است. او عیسی است، دوست مسیح.

کلیسا متعلق به یحیی نیست. قوم خدا در عهد جدید متعلق به یحیی تعمید دهنده نیستند. او فقط خادم مسیح است.

او یک راهنما است. او یک شاهد است. قوم خدا در عهد جدید به عیسی تعلق دارند.

بنابراین، این شادی من اکنون کامل شده است. او باید افزایش یابد، اما من کاهش می‌یابم. چه فروتن... او جسور است.

وای. فکر کنم این موضوع مخصوصاً در انجیل لوقا کاملاً مشهود است. او دهانش را باز می‌کند و کلام قدرتمند خدا از آن بیرون می‌آید.

و اگرچه او هیچ امضا نکرد، همانطور که یوحنا در پایان فصل ثبت می‌کند... من همیشه این مرجع را گم می‌کنم. ۱۰، یوحنا ۴:۱۰. اگرچه یوحنا امضا نکرد، اما هر آنچه که او در مورد این مرد گفت، درست است.

این فقط برای من قابل توجه است - ۴۰۰ سال بدون هیچ پیامبری. یحیای تعمید دهنده وارد صحنه می‌شود.

او هیچ نشانه‌ای انجام نمی‌دهد، اما با این حال مردم او را به عنوان پیامبر خدا می‌پذیرند. دوست دارم ببینم که شما یا من سعی می‌کنیم رسالت نبوت او را انکار کنیم. او با یک دست به بینی شما می‌زند و با دست دیگر به شما می‌گوید توبه کنید.

آه، کلام داغ خدا از دهانش بیرون آمد. خودش را اثبات می کرد. او به هیچ نشانه و علامتی نیاز نداشت، و البته، به همان دلیلی که عیسی تعمید نمی داد، می توانید تصور کنید که اگر یحیی چند معجزه انجام می داد، چند نفر به فرقه ی یحیی تعمیددهنده می پیوستند؟ آه! او از زمین بود، به زمین تعلق دارد.

این مثل همان جمله ی قبلی است. کسی که بعد از من می آید، از نظر مقام از من پیشی می گیرد، زیرا قبل از من بوده است. یعنی، او موجودی آسمانی بود که زمینی شد. یحیی زمینی

پیشگفتار. در ابتدا کلمه بود - آیه 6. مردی از جانب خدا فرستاده شد که نامش یحیی بود.

نمی گوید که در ابتدا، یحیی بود. نه، یحیی زمینی بود. او یک انسان بود.

عیسی از آسمان است. او خدا-انسان است. او که از آسمان می آید، برتر از همه است.

او به آنچه در آسمان دیده و شنیده است شهادت می دهد. مثل فصل ۳ در مورد نیکودیموس است.

اگر من با تو درباره چیزهای زمینی صحبت کرده ام و تو باور نمی کنی، چطور باور خواهی کرد اگر به تو بگویم که در آسمان در حضور پدر چه می گذرد؟ تو حتی نمی توانی، تو معلم اسرائیل، تو معلم اسرائیل حتی نمی توانی تولد تازه معجزه آسای را که روی زمین اتفاق می افتد درک کنی. هیچ راهی وجود ندارد که بتوانی اتفاقات آسمان را درک کنی. او از زمین بود، به زمین تعلق دارد و به شیوه ای زمینی صحبت می کند.

آن که از آسمان می آید، از همه برتر است. او از نظر مقام و رتبه از من پیشی گرفته است. ۱:۱۵. او از نظر رتبه و جلوتر است.

او برتر از همه است. ۳:۳۱. او به آنچه در آسمان دیده و شنیده است، شهادت می دهد.

او این کار را بر روی زمین انجام می دهد. زیرا پدر او را به جهان فرستاده است. با این حال، هیچ کس شهادت او را نمی پذیرد.

این یک اغراق یوحناپی از زبان یحیی تعمید دهنده است. من نمی گویم که یحیی رسول هرگز چیزی را از خودش درمی آورد. اما او از اصطلاح خودش استفاده می کند.

اینگونه است که خدا برای خلق کتاب مقدس تلاش کرد. نویسندگان بشری همانطور که خدا آنها را هدایت می کرد، سخن می گفتند. دوم تیموتائوس ۱:۲۰ و ۲۱.

تعداد کسانی که او را رد کردند از کسانی که او را پذیرفتند بیشتر بود. این یعنی هیچ کس شهادت او را نمی پذیرد. هر که شهادت او را بپذیرد، مهر خود را بر این می گذارد.

اینکه خدا حقیقت دارد. وقتی کسی به همان روح ایمان داشته باشد، ایمان فعال می شود. طبق رومیان ۵ و به ویژه رومیان ۸. حدود ۱۷.

با روح های ما شهادت می دهد که ما فرزندان خدا هستیم. رومیان ۸:۱۶. هر که شهادت او را بپذیرد. هر که

این نشان می دهد که جمله ی قبلی اغراق آمیز بوده، اینطور نیست؟ با این حال، هیچ کس شهادت او را نمی پذیرد. هر کسی که شهادت او را می پذیرد، مسلماً منظورش مورد اول نیست.

به معنای واقعی کلمه. هر که به سخنان عیسی ایمان آورد. مهر خود را بر این می‌گذارد.

اینکه خدا حقیقت دارد. یک باور، حقیقت سخنان عیسی را تأیید می‌کند. زیرا آن شخص، آن حقایق را تجربه می‌کند.

زیرا او که خدا فرستاده است، کلام خدا را بیان می‌کند، زیرا او روح را بی‌حد و حصر می‌بخشد.

این مبهم است. دو تفسیر از آن وجود دارد. پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است.

هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودان دارد. هر که از پسر اطاعت نکند، حیات را نخواهد دید. بلکه خشم خدا بر او می‌ماند.

یعنی چه؟ کسی که خدا فرستاده است، کلام خدا را بیان می‌کند. این واضح است. پسر خدا، که مجسم شده است، آشکارکننده‌ی خداست.

زیرا او روح را بی‌حد و حصر می‌دهد. دو احتمال وجود دارد. پدر روح را بی‌حد و حصر به پسر می‌دهد.

من معتقدم که این درست است به دلیل کلماتی که مستقیماً قبل و بعد از آن آمده‌اند. اما این نیز ممکن است. کسی که خدا فرستاده است، یعنی پسر، کلمات خدا را بیان می‌کند.

زیرا او، پسر، روح را بی‌حد و حصر به هر کسی که به او ایمان بیاورد، می‌دهد. این ارتدکس است. و با این حال، آیا هرگز گفته شده است که ما روح را بی‌حد و حصر دریافت می‌کنیم؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

و ببینید چگونه کار می‌کند. کسی که خدا فرستاده است، کلام خدا را بیان می‌کند. زیرا پدر روح را بی‌حد و حصر به او می‌دهد و او را قادر می‌سازد تا کلام خدا را بیان کند.

به موازات آن، پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است. او به او روح داده است، و در واقع، همه چیز را به او داده است. و باز هم، این تقریباً یک اجماع است، اگرچه جهانی نیست.

من این را تصدیق می‌کنم. اولین عنوان من در مورد روح‌القدس در انجیل چهارم این است: پدر، روح را به پسر داد.

تا پسر بتواند کار خود را به عنوان آشکارکننده خدا انجام دهد. کسی که خدا فرستاده است، کلام خدا را بیان می‌کند. او شهادت می‌دهد.

شهادت او، شهادت او، راست است. او از آنچه در حضور پدر شنیده است، سخن می‌گوید. کسی که ایمان می‌آورد و شهادت او را می‌پذیرد، او نیز شهادت می‌دهد.

مؤمن مهر خود را می‌زند، تأیید می‌کند و مهر می‌زند که پدر از طریق پسر سخن گفته است. پدر از طریق پسر سخن می‌گوید. پسر عین کلام خدا را می‌گوید.

زیرا پدر به او روح‌القدس را به طور بیکران عطا کرد، و این چیزی بود که یوحنا دید. روح از آسمان می‌آید و شاید به طور بیکران، به این موضوع مربوط باشد.

و بر او باقی می ماند. من نمی گویم که روح، قوم خدا را ترک می کند. اما این تأکید در متن، به تفاوت بین عیسی و دیگران اشاره دارد.

او تنها مسیح است. او روح را به طور کامل و بی حد و حصر دریافت می کند تا بتواند وحی کننده‌ی خدا باشد.

در نتیجه، او همچنین حیات بخش است. پدر پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است. یوحنا ۳:۳۵. بنابراین، هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودان دارد. پسر آشکارکننده است.

زیرا پدر روح را بی حد و حصر به او عطا کرد. یوحنا می گوید، من به آن شهادت می دهم. در غسل تعمید او، خدا روح القدس را مرئی ساخت.

مانند پرنده‌ای، و تنها بر او نشست. و بر او ماند.

و از این پس، هنگامی که دهانش را می گشاید، پدر را بیش از هر زمان دیگری آشکار می کند. هر که از پسر اطاعت نکند، توجه داشته باشید که اطاعت در اینجا معادل ایمان آوردن است.

چطور ممکن است چنین چیزی باشد؟ انجیل یک دستور است. حداقل همانطور که رسولان می گویند، به خداوند عیسی مسیح ایمان بیاورید و نجات خواهید یافت.

اگر از فرمان اطاعت کنید، ایمان آورده‌اید. اول، پطرس از ایمان استفاده می کند و نه از ایمان به این شکل. اگر داوری از خانه خدا شروع می شود، اول پطرس ۴. چه بر سر کسانی خواهد آمد که از انجیل خدا اطاعت نمی کنند؟ هر که به پسر ایمان آورد، حیات جاودان دارد.

هر که از پسر اطاعت نکند، حیات را نخواهد دید. بلکه خشم خدا بر او می ماند. این است آن آخرت شناسی. تحقق یافته.

همین الان هم مردم محکوم هستند. جایگاه آنها می تواند تغییر کند و وقتی به پسر ایمان بیاورند، تغییر خواهد کرد. اولین دسته برای روح القدس.

به عیسی داده شده است. او، یوحنا از همان کلمات اول انجیل بر الوهیت او تأکید می کند. در ابتدا کلمه بود.

این دلالت بر الوهیت او دارد. زیرا منعکس کننده پیدایش ۱:۱ است و کلمه را به جای خدا، خالق آسمانها و زمین، قرار می دهد. قبل از اینکه آن جمله تمام شود، می گوید که کلمه خدا بود.

اما بار اصلی مقدمه، به دلیل کیاسم، کلمه، نور، نور به جهان، کلمه جسم شد، تجسم است. و در تجسم کلمه ابدی، نور ابدی، پسر ابدی، شخص دوم الوهیت، به جسم سارک، انسانی از گوشت و خون تبدیل شد. به این ترتیب، خدا روح را بدون هیچ اندازه‌ای، به طور قابل مشاهده در غسل تعمیدش، به او عطا کرد. و او را برای انجام نقش‌های مسیحی‌اش واجد شرایط ساخت.

عمدتاً در متن یوحنا ۳، آشکارکننده‌ی خدا. اشاره ضمنی در چند آیه‌ی آخر یوحنا ۳، به معنای بخشنده‌ی حیات. این همان چیزی است که، این پیامی است که او آشکار می کند.

این پیام حیات جاودان است. به این ترتیب، او حیات بخش و منبع حیات است. یوحنا ۳، در حالی که دوباره به دیدار نیکودیموس می‌رود، شبانه به دیدار عیسی می‌رود.

به راستی به شما می‌گویم، مگر اینکه کسی از نو و از بالا متولد شود، نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند. او نیکودیموس را غافلگیر می‌کند. عیسی بلافاصله او را با یک معمای الهیاتی روبرو می‌کند زیرا نیکودیموس پیش‌بینی‌های عصر جدید، عهد جدید را درک نمی‌کند.

او نمی‌فهمد و حرف احمقانه‌ای در مورد اینکه آیا کسی می‌تواند دوباره وارد رحم مادرش شود، می‌زند. عیسی، تکرار می‌کند: «راستی، راستی، مگر اینکه کسی از آب و روح متولد شود، نمی‌تواند وارد پادشاهی خدا شود زیرا آنچه از جسم متولد می‌شود، جسم است و آنچه از روح متولد می‌شود، از روح، روح است.» تعجب نکن که به تو می‌گویم، باید دوباره متولد شوی. باد هر جا که می‌خواهد می‌وزد و صدای آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید یا به کجا می‌رود.

نیکودیموس می‌گوید، برای هر کسی که از روح متولد می‌شود نیز همینطور است. چطور ممکن است چنین چیزهایی وجود داشته باشد؟ و عیسی در ادامه او را سر جایش می‌نشاند، تکانش می‌دهد، و به او درسی الهیاتی در مورد الفبای تولد تازه می‌دهد.

درست است که این موضوع در عهد جدید به گونه‌ای آموزش داده شده است که در عهد قدیم آموزش داده نشده است. اگرچه این اجماع در حال شکل‌گیری است که مطمئناً مردم عهد عتیق از زمان سقوط از نظر معنوی مرده بودند، مگر اینکه مانند سروتوس، مخالف کالوین، باشید و بگویید که آنها نجات نیافته‌اند. سروتوس گفت یهودیان عهد عتیق مانند خوک‌هایی در طویله بودند.

آنها زندگی کردند، مردند، و تمام. این وحشتناک است. رومیان ۴، غلاطیان ۳، عبرانیان ۱۱

ابراهیم نمونه‌ای از ایمان است. او در ۱۱ سالگی پر از قهرمان و دلاور بود. آیا همه آنها نجات نیافته‌اند؟ این مسخره است.

آیا آنها در گناهانشان مرده بودند؟ بله. آیا به آنچه می‌گویند رسیدند؟ بله. آیا بدون اینکه حیات تازه‌ای به آنها داده شود، نجات یافتند؟ غیرممکن است.

این یک هیولای الهیاتی است. خوشبختانه، اکنون توافق وجود دارد. مطمئناً که چند مخالف وجود دارد، اما به گفته متفکران انجیلی، تقریباً یا به اتفاق آراء، آنچه را که عبرانیان ۹:۱۵ می‌گوید تأیید کردند: هیچ کس هرگز بدون کفاره خداوند عیسی مسیح نجات نیافته است.

آیا مقدسین عهد عتیق آن را همانطور که ما درک می‌کنیم، می‌فهمیدند؟ البته که نه. آیا درک رو به رشدی وجود داشت؟ بله. آیا هر شخصی، هر پدری، خانواده‌اش را در فداکاری رهبری می‌کرد؟ خیر.

اما خدا فهمید. و خدا حتی قبل از اینکه مسیح کار خود را انجام دهد، از مزایای کار مسیح استفاده کرد. رومیان ۳ می‌گوید ۲۱ تا ۲۶.

این یکی از دلایلی است که او مجبور بود کار خود را برای تسویه حساب انجام دهد: خدا مدام بدهی‌ها را برای خودش می‌نوشت، به اصطلاح، عدالت خودش را. او از طریق انجیلی که در قربانی‌ها به تصویر کشیده شده بود، بخشید. کالوین می‌گوید یک دین خونین و متعفن.

یک تابستان در یک کشتارگاه کار می‌کردم. هی، خدا را شکر. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، اینطور ارزیابی می‌کنم.

اگر خودتان را از دیدگاه اسرائیل به دوران عهد عتیق برگردانید و به اطراف نگاه کنید، هلولیاه، شما بخشی از تنها ملتی هستید که خدا را می‌شناسد. تنها ملت برگزیده روی زمین. قربانی‌ها، آه، در خاور نزدیک باستان تعداد زیادی از آنها وجود داشت، اما اینها مفید بودند زیرا خدا آنها را داده بود.

خدا آنها را مقدر کرد. خدا دستورالعمل‌هایی برای عبادت و غیره داد. در هر صورت، نیکودیموس باید بهتر درک می‌کرد.

عیسی با کوتاه کردن قد او، به او خدمت می‌کند. من دیروز از لیندا بلویل نام بردم. من در مورد این متن، مدرک کارشناسی ارشد خود را زیر نظر دکتر کارسون گرفتم.

این یک مقاله بود. او مقاله‌ای را در مجله ترینیتی، سری جدید، جلد ۱، با عنوان «زاده شده از آب و روح، نه از روح» منتشر کرد. بنابراین، این تفسیر اوست که به نظر من درست است.

به راستی، به راستی، به تو می‌گویم، آیه ۵، مگر اینکه کسی از آب و روح زاده شود، نمی‌تواند وارد پادشاهی خدا شود. پیشینه، حزقیال ۳۶، به ویژه آیات ۲۵ تا ۲۷. من این کار را درست انجام خواهم داد.

آب پاک بر شما خواهم پاشید و از تمام ناپاکی‌هایتان پاک خواهید شد و شما را از تمام بت‌ها پاک خواهم کرد و قلبی تازه به شما خواهم داد و روحی تازه در درونتان خواهم نهاد. دل سنگی را از تن شما بیرون خواهم آورد و دلی گوشتی به شما خواهم داد و روح خود را، این بار با حرف بزرگ «س» در درونتان خواهم نهاد و شما را وادار خواهم کرد که در فرایض من سلوک کنید و از احکام من پیروی کنید. این با آیات ۳۱ تا ۳۴ عهد جدید ارمیا همپوشانی دارد.

شما باید از آب متولد شوید. یعنی، شما باید تطهیر آخرالزمانی عهد جدید را که حزقیال پیش‌بینی کرده بود، تجربه کنید. شما باید از آب و روح متولد شوید.

یعنی شما نه تنها باید تطهیر، بلکه تطهیر ماوراءالطبیعه را نیز تجربه کنید. شما باید از آب و از قلمرو الهی متولد شوید. بنابراین، این اشاره‌ای به خدا و قلمرو اوست.

یعنی، یوحنا ۳:۵ همینطور است. اما هنوز اشاره خاصی به روح نشده است. آب از تطهیر سخن می‌گوید.

روح از قلمرو الهی صحبت می‌کند. یا می‌توانید فقط بگویید خدا، اما در واقع خود قلمرو است. تا زمانی که تطهیر آخرالزمانی که توسط حزقیال پیش‌بینی شده و توسط خود خدا انجام شده را تجربه نکنید، نمی‌توانید وارد پادشاهی خدا شوید.

شما گم شده‌اید. آنچه از جسم زاده می‌شود، نوع بشر، جسم است. جسم چنین چیزی را تولید می‌کند.

مردان و زنان نوزادانی را به دنیا می‌آورند که انسان هستند. آنها در قلمرو انسانی هستند. و روح، که همان روح القدس است، آنچه را که از روح متولد شده است، تولید می‌کند.

روح القدس روح است، قلمرو الهی است. از آنچه به تو گفتم تعجب نکن؛ تو باید دوباره متولد شوی. باد. هر جا که بخواهد می‌وزد.

عیسی مانند زبان عبری با روآخ بازی با کلمات انجام می‌دهد. بنابراین، در یونانی، پنوما به معنای نفس، باد یا روح است. باد هر جا که بخواهد می‌وزد و شما صدای آن را می‌شنوید.

او روح القدس را به باد تشبیه می‌کند. باد مقدس خدا هر جا که بخواهد می‌وزد و شما صدای آن را می‌شنوید، اما نمی‌دانید از کجا می‌آید یا به کجا می‌رود. بنابراین، هر کسی که از روح متولد می‌شود نیز چنین است.

تولد تازه اسرارآمیز است. ما نمی‌توانیم آن را ببینیم. ما نتایج آن را می‌بینیم.

ما برگ‌هایی را می‌بینیم که باد آنها را تکان می‌دهد. ما کلاه‌هایی را می‌بینیم که از دستمان می‌افتند و شمع‌هایی را که خاموش می‌شوند. اما شما باد را به این شکل نمی‌بینید.

شما نمی‌دانید روح القدس کجا کار می‌کند. او مخفیانه، بی‌صدا، ماوراءالطبیعه و با اقتدار کار خود را انجام می‌دهد. روح القدس منبع حیات تازه است.

او مردم را قادر می‌سازد تا از خدا، از بلا، و با تولدی دوباره، تولدی روحانی، متولد شوند. در فصل ۶، در میانه‌ی بحث درباره‌ی نان حیات، عیسی این را درباره‌ی روح می‌گوید. تأکید بر این است که عیسی منّ جدید است.

او منّ حقیقی است. او نان حیات است. او حیات‌بخش است.

او نانی است که از آن می‌خورید و دوباره متولد می‌شوید. شما حیات جاودان دارید. به نظر من، این همان چیزی است که شما واقعاً آن را نان شگفت‌انگیز می‌نامید.

ببخشید. ۶۶۳، ۶۶۰. وقتی بسیاری از شاگردانش، که مسلماً منظورشان گسترده‌تر از آن ۱۲ نفر است، اظهارات آدم‌خوارانه‌اش و همچنین اظهارات حاکمیتش را شنیدند، خیلی تند و تیز شدند.

اوه. گفتند این ضرب‌المثل خیلی سخت‌گیرانه است. چه کسی می‌تواند به آن گوش دهد؟ دیگر بس است.

عیسی با علم به اینکه شاگردانش از این موضوع گله و شکایت دارند، گفت: «من از اینجا می‌روم.» شاگردان دیگر دوباره پرسیدند: «آیا از این موضوع رنجیده خاطر شده‌ای؟» «من می‌خواهم کمی جلوتر بروم.

این سبک عیسی است. اوه، اوه، او عقب‌نشینی می‌کند، می‌داند، مثل بعضی از ما که معمولاً این کار را می‌کنیم. نه.

او به عنوان آشکارکننده، حقیقت را می‌گوید، و گاهی اوقات این حقیقتی دشوار است. شما از این موضوع رنجیده خاطر می‌شوید؟ اگر پسر انسان را در حال صعود به جایی که قبلاً بود ببینید چه؟ من مدام به شما می‌گویم که من از جانب خدا آمده‌ام و پدر مرا فرستاده است. اگر ببینید که من به آسمان صعود می‌کنم. چه؟ آیا این را باور خواهید کرد؟ ۶۶۳ یوحنا.

این روح است که حیات می‌بخشد. جسم به هیچ وجه کمکی به دستیابی به حیات انسانی نمی‌کند. آرزوها و تلاش‌های انسانی نجات نمی‌دهند.

فقط خدا نجات می‌دهد. به طور خاص، روح القدس حیات تازه می‌بخشد. او چگونه این کار را انجام می‌دهد؟ کلماتی که به شما گفتم روح و حیات هستند.

اما بعضی از شما ایمان ندارید، زیرا عیسی از ابتدا می‌دانست چه کسانی ایمان نمی‌آورند. من نمی‌دانم او چگونه می‌توانست با این آگاهی کنار بیاید و چه کسی به او خیانت خواهد کرد.

و او گفت، به همین دلیل است که به شما گفتم هیچ کس نمی‌تواند نزد من بیاید، مگر اینکه پدر به او عطا کرده باشد. پس از این، بسیاری از شاگردانش برگشتند و دیگر با او همراه نشدند. جای تعجب نیست.

شما باید گوشت مرا بخورید و خون مرا بنوشید؟ مطمئناً آنها دچار سوءتفاهم شده‌اند. این چه چیزی است، که اینجا اتفاق می‌افتد؟ این روشی برای گفتن است، او را بگیرد، او را ببلعید، اگر بخواهید، از نظر معنوی به او ایمان داشته باشید. در انجیل یوحنا هیچ نهادی برای شام خداوند وجود ندارد، اما این گفتمان نان حیات، الهیات بسیار مرتبطی با شام خداوند می‌دهد، زیرا شام خداوند معانی زیادی دارد، اما عمیق‌ترین و فراگیرترین معنای آن، با جمع کردن معانی دیگر ذیل آن، اتحاد با مسیح است.

و خب، این همان چیزی است که شام خداوند در همان مراسم نشان می‌دهد. شاگردان آن را نفهمیدند، اما این بدن من است. آن را بردارید و بخورید.

این خون منه. بنوشش. وای.

این نوعی نمادگرایی ابتدایی برای اتحاد با مسیح است. بنابراین، روح القدس به عیسی داده شد تا او را واجد شرایط کند تا نقش مسیح را بر عهده بگیرد و با آن همراه شود. روح القدس منبع زندگی جدید است.

او باعث می‌شود مردم از طریق رستاخیز روحانی از مرگ به زندگی منتقل شوند. او کسی است که تولد تازه را انجام می‌دهد. همانطور که عیسی موعظه می‌کند، او منبع حیات است.

بیشتر پیام‌های فوری نشان می‌دهند که او حیات‌بخش است. او منبع حیات است، همانطور که عیسی آیات را انجام می‌دهد. معنای اصلی آیات، حیات‌بخش است.

هیچ یک از این موارد، روح القدس را نادیده نمی‌گیرد. ما به عنوان الهیدانان، دوست داریم یوحنا این موارد را کمی بیشتر هماهنگ کند، اما می‌توانیم این کار را انجام دهیم. او مواد خام و موارد دیگر را در اختیار ما قرار می‌دهد.

روح منبع حیات است. در سخنرانی بعدی‌مان، درباره تعمید کلیسا با روح توسط عیسی و آن سخنرانی‌های زیبای وداع و اینکه چگونه پدر و پسر، روح را برای کار در فرزندان خدا و از طریق آنها می‌فرستند، صحبت خواهیم کرد.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون و آموزه‌های او در مورد الهیات یوحناپی است. این جلسه ۱۳، روح القدس، بخش ۱ است.